

■ **علیرضا محمدی**

لشکر ۸ نجف از شناخته‌شده‌ترین یگان‌های حاضر در دفاع مقدس است که در ۲۳ عملیات بزرگ واصلی جنگ حضور فعالی داشت. نجف‌آبادی‌ها که در ابتدا چندین گروه یا گردان مجزا را به جبهه‌های جنگ اعزام کرده بودند، از آذر ۱۳۶۰ حول محور شهید کاظمی تیپ ۸ نجف را تشکیل می‌دهند. این تیپ که از وجود رزمندگانی از شهرهای مختلف استان اصفهان و گاه‌رزمندگانی از دیگر استان‌ها بهره می‌برد، کمی بعد تبدیل به لشکر می‌شود و تا پایان دفاع مقدس در قامت یک لشکر خط‌شکن، نقش تعیین‌کننده‌ای در تاریخ جنگ ایفا می‌کند. عملکرد موفق این لشکر در دو عملیات فتح‌المبین و الی بیت‌المقدس، تنها گوشه‌هایی از حماسه‌آفرینی‌های یکی از سرسخت‌ترین لشکرهای دفاع مقدس است که رزمندگانش به ایمان و اعتقادات محکم مشهور بودند. در گفت‌وگویی که با سردار سیف‌الله رشیدزاده فرمانده لشکر عملیاتی ۸ نجف‌اشرف و یکی از قدیمی‌ترین رزمندگان این یگان داشتیم، سعی کردیم به معرفی بیشتر این لشکر و شهدایش به خصوص برای خوانندگان نسل جوان بپردازیم.

■■■■

ماجرای تشکیل لشکر ۸ نجف به چه صورت بود؟

وقتی جنگ شروع می‌شود، جوانان نجف‌آباد به صورت خودجوش چهار الی پنج گروه را تشکیل می‌دهند و هر کدام به یک نقطه از جبهه‌های روند و فعالیت می‌کنند. یک گروه به فرماندهی شهید صادق پور و شهید چهره‌ساز به سرپل ذهاب می‌روند و در عملیات بازی‌در از شرکت می‌کنند. صادق پور در همین عملیات بازی‌دران به شهادت می‌رسد. شهید حیدرعلی طالب‌معروف به استادمیرزا که سابق از تکاوران ارتش بود و بعد از انقلاب اقدام به آموزش جوان‌های انقلابی می‌کرد هم یک گروه را به شوشتر می‌برد. ایشان مدتی آنجا مشغول بود و نهایتاً در همان اوایل جنگ به شهادت می‌رسد. در جیب استاد پس از شهادت ناماهی به دست می‌آید که گویا آقای شمعانی برایش نوشته و از تک دشمن خبر داده بود. روی این نامه اثر تر کشی که به سینه شهید طالب خورده بود دیده می‌شود. یک گروه را هم‌رادر محمدحسین جحتی به جبهه شمالغرب می‌برد. این گروه در عملیات محمد رسول‌الله(ص) به نیروهای حاج‌احمد متوسلیمان ملحق می‌شوند و در این عملیات شرکت می‌کنند. نهایتاً یک گروه دیگر را هم شهیداحمد کاظمی به جبهه آبادان می‌برد.ایشان اوایل پیروزی انقلاب با هماهنگی جبهه‌های منتظری شش ماه به لبنان می‌رود. در بازگشت همراه سردار صفوی به سنجح اعزام می‌شود و آنجا با اصابت دو گلوله دشمن مجروح می‌شود. به نجف‌آباد برمی‌گردد و دوران نقاهتش را سپری می‌کند که می‌شنود عراق فرود گاه‌ها را بمباران کرده است. شهید کاظمی با عضا به سپاه نجف‌آباد می‌رود و می‌خواهد که اقدامی انجام بدهند. بچه‌های سپاه می‌گویند دستوری در یافت نکر دهاند و بلا تکلیف هستند. حاج‌احمد با آن غیرتی که داشت خودش یک گروه ۲۲ نفره را برمی‌دارد و به پادگان گلف اهواز می‌برد.از آنجا به منطقه محمدیه آبادان می‌روند اما چون محمدیه خط آرامی بود، با مشورت سردار صفوی به جبهه فیاضیه می‌روند و آنجا از نیروهای ارتش تحول می‌گیرند.از ایستگاه هفت تا ایستگاه ۱۲ آبادان که حدود ۵الی ۶ کیلومتر طول داشت منطقه‌ای بود که به آن جبهه فیاضیه می‌گفتند. رفته رفته تعدادی رزمنده از نجف‌آباد به گروه شهید کاظمی ملحق می‌شوند و یک گردان تشکیل می‌دهند. در عملیات ثامن‌الامنه(ع) شهید کاظمی با همین گردان وارد عمل می‌شود. در عملیات طریق‌القدس دو گردان دیگر به گردان ایشان ملحق می‌شوند که در واقع سنگ بنای تیپ را می‌گذارند. اما هنوز به لحاظ سازمانی تیپ رسماً تشکیل نشده بود. بعد از عملیات طریق‌القدس و مشخصاً در آذر ماه ۱۳۶۰ تیپ ۸ نجف‌اشرف رسماً با فرماندهی شهید کاظمی تشکیل می‌شود و از این به بعد همه رزمنده‌های نجف‌آباد در قالب این تیپ در جبهه حضور پیدا می‌کنند. بعد از عملیات محرم تیپ تبدیل به لشکر می‌شود و از عملیات والفجر مقدماتی تا پایان جنگ با عنوان لشکر در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کند.

درد

به‌رغم تلفاتی که تیپ ما داده بود، ۴۰روز بعد وارد عملیات الی بیت‌المقدس می‌شود. در فتح خرمشهر تیپ ۸ نجف ۲۳ شبانه‌روز نه فقط شب‌ها که روز‌ها هم درگیر می‌شود و برخی از گردان‌هایش سه بار بازسازی می‌شوند. آنها که اهل جبهه و جنگ هستند می‌فهمند سه بار بازسازی یک گردان در طول چند روز چه معنی‌ای دارد. در این عملیات همان‌طور که صو تش هم موجود است حاج‌احمد و نیروهایش به عنوان اولین یگان‌های ایرانی وارد شهر می‌شوند و آنجا شهید کاظمی برای اولین بار می‌گوید خرمشهر را خدا آزاد کرد و بعد خبر از اسارت گروه گروه نیروهای دشمن می‌دهد

در صحبت‌های تان اشاره کردید که شهید کاظمی پیش از حضور در دفاع مقدس در سنجح مجروح شده بود، پس رزمنده‌های نجف‌آباد در غائله کردستان هم حضور داشتند؟

بله حضور داشتند. در مناطقی مثل دیواندره، گاو‌شله، حسین‌آباد و… حضور بچه‌های نجف‌آباد معروف بود. خود حاج‌احمد هم که در سنجح حضور داشت و همان‌جا مجروح می‌شود.

رزمندگان تیپ غیر از نجف‌آباد از چه شهرهایی تأمین می‌شدند؟

اوایل که عرض کردم صرفاً بچه‌های نجف‌آباد همراه شهید کاظمی گردان اولیه را تشکیل می‌دهند و در تشکیل تیپ هم محور با بچه‌های نجف‌آباد بود ولی رفته رفته از منطقه فلاورجان و قهدریجان اصفهان و خمینی‌شهر و حتی کاشان هم نیروهایی وارد تیپ می‌شوند. مثلاً رزمنده‌های فلاورجانی معمولاً دو‌الی سه گردان در تیپ داشتند. خمینی‌شهری‌ها هم در گردان داشتند. در طول سال ۶۱ حتی بچه‌های یزد هم به استعداد یک گردان در تیپ حضور داشتند. حتی در عملیات فتح‌المبین شهیدان مهدی و حمید باکری و شهید تجایی و تعدادی از نیروهای آذربایجانی به تیپ‌مامور می‌شوند و این را تقویت می‌کنند. بعدها و در طول دفاع مقدس عمده نیروهای تیپ را همان بچه‌های نجف‌آباد، فلاورجان، قهدریجان، خمینی‌شهر و کاشان تشکیل می‌دادند.

یک سؤال همیشه بر ایم مطرح بود که چطور می‌شود یک شهر کوچک مثل نجف‌آباد یا به پای کلانشهرهایی مثل تهران و اصفهان تیپ تشکیل می‌دهد. شهر شما چه جوی داشت که این همه رزمنده به جبهه‌ها اعزام کرده بود؟

کل‌استان اصفهان به مردم معتقد و مذهبی معروف است. نجف‌آباد هم مردم واقعا معتقدی دارد که اگر روزشمار انقلاب را دنبال کنید، یکی از اولین شهرهایی که در آن حکومت نظامی اعلام شد، همین نجف‌آباد است. حضور روحانیون انقلابی از دلایل اصلی جذب مردم به جریان انقلاب و هواداری از نهضت حضرت امام بود. با چنین روحیه‌ای وقتی که انقلاب پیروز شد، جوان‌ها و مردم انقلابی این شهر سعی کردند از انقلاب‌شان دفاع کنند و عرض کردم که از غائله کردستان گرفته تا شروع جنگ گروه‌های خودجوشی از جوان‌های شهر به جبهه می‌رفتند و حضور فعالی داشتند. در نجف‌آباد دو خانواده چهار شهیدی داریم. ۱۷ خانواده سه شهیده و ۲۵۴ خانواده دو شهید. به‌بنیید وقتی که ۲۵۴ خانواده دو فرزندشان را تقدیم انقلاب می‌کنند، نشان می‌دهد که این مردم از دل و جان مدافع انقلاب و پشتیبان جبهه و جنگ بودند. نجف‌آباد یک منطقه



مروری بر تاریخچه لشکر ۸ نجف در عرصه دفاع مقدس در گفت‌وگوی «جوان» با سردار سیف‌الله رشیدزاده

لشکر نجف‌اشرف در ۲۳ عملیات بزرگ واصلی جنگ شرکت کرد

نجف‌آباد ۲ خانواده چهار شهیده، ۱۷ خانواده سه شهیده و ۲۵۴ خانواده دو شهیده دارد



می‌شود و در مناطقی چون دابری دشمن را از دو طرف احاطه می‌کنند و به محاصره درمی‌آورند. در نتیجه عملکرد دو تیپ ۱۴ و ۸ نجف، تویخانه دشمن به همراه ۱۵ هزار نفر از نیروهایشان و حتی فرمانده لشکری که در منطقه حضور داشت به اسارت درمی‌آیند. در این عملیات تیپ نجف با ۱۷ گردان وارد عمل شده بود که به دلیل شدت درگیری‌ها، گاه برخی از این گردان‌ها دو بار بازسازی شدند. به‌رغم تلفاتی که تیپ ما داده بود، ۴۰ روز بعد وارد عملیات الی بیت‌المقدس شد. در فتح خرمشهر تیپ ۸ نجف ۲۳ شبانه‌روز نه فقط شب‌ها که روزها هم درگیر می‌شود و برخی از گردان‌هایش سه بار بازسازی می‌شوند. آنها که اهل جبهه و جنگ هستند می‌فهمند سه بار بازسازی یک گردان در طول چند روز چه معنی‌ای دارد. در این عملیات همان‌طور که صو تش هم موجود است حاج‌احمد و نیروهایش به عنوان اولین یگان‌های ایرانی وارد شهر می‌شوند و آنجا شهید کاظمی برای اولین بار می‌گوید خرمشهر را خدا آزاد کرد و بعد خبر از اسارت گروه دیده نشوند. بعد ۲۲ کیلومتر نیروهایش را در مل‌ها به عمق

این لشکر حدود ۹ هزار شهید دارد. ۲۵۵۰ نفر از این شهدا برای خودشهر نجف‌آباد هستند. ۱۷۰۰ نفر از قهدریجان و فلاورجان شهید داده‌اند. ۲۳۰۰ نفر از خمینی‌شهر. از بچه‌های یزد و آذربایجان و کاشان هم شهدایی تقدیم کرده‌ایم. **فتح‌المبین والی بیت‌المقدس دو عملیاتی هستند که با نام لشکر ۸ نجف‌گه خورده‌اند. اگر می‌شود به مرور نقش لشکر نجف در این دو عملیات بپردازیم.**

بنده خودم در عملیات فتح‌المبین نبودم. از عملیات الی بیت‌المقدس رزمده تیپ شدم و تا همین الان که با شما صحبت می‌کنم افتخارم این است که رزمنده این لشکر هستم. رمل‌ها کار سختی است. شهید کاظمی اخلاقی که داشت هر جامی خواست نیروهایش را وارد کند، اول خودش آن منطقه را بازدید می‌کرد. ایشان شب عملیات از نیروها می‌خواهد نیمه‌فانوس‌ها را که به سمت دشمن بود گل مالی کنند تا دیده نشوند. بعد ۲۲ کیلومتر نیروهایش را در مل‌ها به عمق نیروهای دشمن می‌برد تا در تنگه رلیجان و رقابیه عقبه دشمن را ببینند. از آن طرف هم تیپ ۱۴ در شمال منطقه وارد عمل



طرح: علیرضا سجادی

طراح:علیرضا سجادی ■ شماره ۶۰۶۱

از راست به چپ

■ ۱- از محلات تهران- از قالب‌های شعر فارسی- ۲- جاذبه سیاحتی اترلی- نوعی بقه- هدیه‌ای به عروس خاتم ■ ۳- رفوزه- از مراسم ازدواج- روایت‌کننده ■ ۴- مادر وطن- زادگاه حضرت ابراهیم- تنه درخت- جمع منت ■ ۵- داستان ادبی- فیلم ابوالفضل- لیلی- خاطر و ذهن- ویتامین جدولی ■ ۶- اثر سوختگی- بخیل ■ ۷- از رنگ‌ها- گوارا- پول واحد اروپایی ■ ۸- جسم انسان مرده- بدبو- میدانی در تهران- بیماری حیوانات گوشتخوار ■ ۹- علمی برای وزن شناسی شعر- قسمت مهم رایانه- آسمان ایستن باران ■ ۱۰- بارکد- عذرخواهی ■ ۱۱- بخار دهان- چهارشاخ خرمن بر بادده- فراموشی- مبارزه با حریف خیالی در کاراته ■ ۱۲- دارو- قربابت و خویشی- پایه و ستون- فاصله‌دار ■ ۱۳- حرکات ورزشی و گرم‌کننده- تیمی در لیگ برتر انگلیس- حرف خطاب ■ ۱۴- پول کویت- سنگ بیابان- از مرکباتی که با پوست آن مر یا می‌سازند ■ ۱۵- سازمان رسیدگی‌کننده به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی- اتومبیل مخصوص چاهنگردی

از بالا به پایین

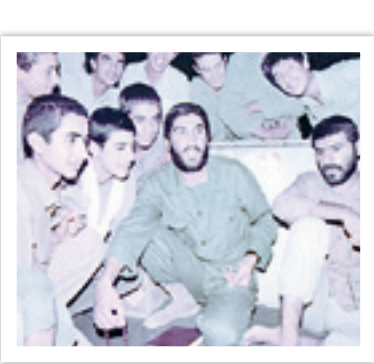
■ ۱- از پرندگان پی‌پرواز- گیربکس ■ ۲- بانوی فرانسوی- دانه تسبیح- از ماه‌های میلادی ■ ۳- پهلوان- گاوپاز اسپانیایی- معتمدان ■ ۴- کلکم... و کلکم مسئول عن رعیت‌ه- مردم قرآنی- یکی از حرکات حروف در هنگام تلفظ- کمربند پارچه‌ای ■ ۵- باقی گذاشتن- پایتخت موسیقی- صندلی دوچرخه- علامت مفعول ■ ۶- بنیانگذار فرانسه نوین- بینوا ■ ۷- پایتخت غنا- یکی از نام‌های خدا- ریز نمرات دانش‌آموز ■ ۸- قطار- تیم فوتبالی در ایتالیا- گرو گذاشتن- واحد شمارش فشنگ ■ ۹- روح انسانی- استراق سمع- ابزار تزریق ■ ۱۰- جد بزرگ تهمن- مدافع بارسا ■ ۱۱- مساوی- نقطه اینترنیتی- امر به کاییدن- نورسته ■ ۱۲- لخت- لام الوز، مدافع تیم ملی برزیل- آرایش- وام فلک‌زده ■ ۱۳- مشهور- مسجد معروفی در مشهد که در قرن نهم هجری ساخته شده است- طایفه کریمخان ■ ۱۴- ماکت در هنگستان- عقیده اثباتیاتی- قادر ■ ۱۵- از جانورانی که نسلشان منقرض شده است- کمک‌کننده

گردان‌های رزمی بود. دو تا مقر در دانشگاه شهید چمران اهواز معروف به پایگاه مدنی ۱ و ۲ داشتیم که گردان‌های رزمی آنجا مستقر می‌شدند. پایگاه مدنی ۲ منطقه وسیعی بود که یک ساختمان پنج طبقه و سس‌ش قرار داشت. وقتی نیروها زیاد می‌شدند ابتدا برای آموزش به شوشتر می‌رفتند و بعد نزدیکی‌های عملیات که می‌شد در این ساختمان پنج طبقه مستقر می‌شدند و از آنجا به مناطق عملیاتی جابه‌جایی‌شدند. این پایگاه مدنی ۲ به نوعی مقر اصلی لشکر ۸ بود که در دانشگاه شهید چمران (جندی‌شاپور) اهواز قرار داشت.

اگر می‌شود گردان‌های قدیمی و محوری لشکر را هم نام ببرید.

گردان امام حسین(ع) یکی از گردان‌های قدیمی و شناخته‌شده لشکر بود که فرماندهی شهید حسن منتظری عملکرد موفقی داشت. گردان غواصی انبیا به فرماندهی برادر مصطفی نصر از دیگر گردان‌های شناخته‌شده لشکر است. یا گردان فتح به فرماندهی سردار نجفیان یا گردان ۱۴ معصوم به فرماندهی شهید اکبر اعتصامی و... از دیگر گردان‌های قدیمی و مطرح لشکر بودند.

شهید کاظمی به عنوان مؤسس و فرمانده لشکر ۸ چه خصوصیاتی داشت که توانست این لشکر را در ۲۲ عملیات بزرگ جنگ به خوبی مدیریت کند و همواره در قلوب رزمندگان جا داشته باشد؟



کرده است؟

لشکر نجف در ۲۳ عملیات بزرگ و اصلی مثل فتح‌المبین، الی بیت‌المقدس، رمضان، والفجر مقدماتی، والفجر یک، والفجر ۸، والفجر ۱۰، مرصاد، بیت‌المقدس ۷... شرکت کرده است. این عملیاتی که عرض کردم گذشته از عملیات محدود و متوسطی است که غالباً در آنها بخشی از نیروهای لشکر حضور پیدا می‌کردند.

یک نکته جالب در خصوص لشکر نجف این است که گویا فرماندهی آن جانشین نداشت. درست است؟

اگر می‌شود به شهدای شاخص لشکر هم بپردازید.

علت اینکه می‌گویند لشکر نجف جانشین نداشت مربوط به نحوه فرماندهی شهید کاظمی می‌شود که رسماً کسی را به عنوان جانشین لشکر معرفی نمی‌کرد. فقط در مواقع عملیات بود که برخی از چهره‌ها به عنوان جانشین لشکر مطرح می‌شدند اما در مواقع عادی مثلاً در پشت جبهه‌ها اثری از این بچه‌ها به عنوان جانشین وجود نداشت. در مواقع عملیات بچه‌ها خودشان می‌دانستند در نبود حاج‌احمد از چه کسی حرف‌شوی داشته باشند و چه کسی جانشین ایشان است. مثلاً شهید حاج‌شعبانعلی زینلی از مبار که اصفهان در بین بچه‌ها معروف بود که در نبود حاج‌احمد ایشان همه کاره لشکر است. یا قاسمعلی محمدی از بچه‌های فلاورجان مدتی می‌گفتند ایشان جانشین لشکر است. یا شهید مجید کبیرزاده از بچه‌های نجف‌آباد که از بس تیر و ترکش در بدنش داشت به او لقب مرد آهنین داده بودند یک مقطعی جانشین لشکر شد. کبیرزاده در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. در مورد شهدای شاخص لشکر باید عرض کنم همین عزیزی که جانشین لشکر بودند از جمله شهدای شاخص لشکر به شمار می‌روند. سردار شهید اعتصامی فرمانده گردان ۱۴ معصوم، سردار شهید نجفعلی کربمی، سردار شهید شکرالهی و... از دیگر شهدای شاخص لشکر هستند. جالب است بدانید تنها شهر نجف‌آباد ۹۳ سردار شهید دارد که از فرمانده گردان به بالا هستند.

برخی لشکرها مثل لشکر ۲۷ مقرهای شناخته‌شده‌ای مثل پادگان دوکوهه داشتند که الان محل زیارت کاروان‌های راهیان نور است، لشکر نجف هم چنین مقری داشت؟

در خود شهر نجف‌آباد ما تا سال ۶۵ عقبه‌ای نداشتیم. نیروها را در مناطق عملیاتی آموزش می‌دادیم. یک پادگان در شوشتر بود که به مقر انبیای شوشتر معروف بود. آنجا مرکز آموزش‌های

				۷		۹
			۶			
		۱	۹			۶
					۸	
				۵	۴	
		۳		۴		۷
			۵	۳		۱
					۳	۸
		۷				

۷	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵
۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳
۳	۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۲	۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۶

■ پاسخ جدول شماره ۶۰۶۰

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴